

موانع و چالش‌های شکل‌گیری دانشگاه کارآفرین در ایران

کریم کیاکجوری*
فروغ رودگرزاد**
سید مریم حسینی***

چکیده

دانشگاه کارآفرین، به عنوان مرکز تولید علم و فناوری و محل کاربردی نمودن دانش، می‌تواند نقش بسزایی در پیشرفت و توسعه کشور در عرصه‌های جهانی داشته باشد. موضوع دانشگاه کارآفرین، چندی است که در کشور مورد توجه قرار گرفته است، ولی این کار، به معنای واقعی، شکل‌گیری دانشگاه کارآفرین محسوب نمی‌شود. در این زمینه، موانع مختلفی که بر ایجاد دانشگاه کارآفرین در ایران تأثیر دارند، می‌توان به پنج گروه مرتبط به هم، شامل: موانع آموزشی و پژوهشی، اقتصادی و مالی، فرهنگی و اجتماعی، ساختاری و تشکیلاتی و در نهایت مشکلات ارتباطی و اطلاعاتی تقسیم‌بندی کرد.

مقاله حاضر، با هدف شناخت مقدماتی از کارآفرینی و دانشگاه کارآفرین و نیز برخی موضوعات مهم مرتبط با آنها، بیان مختصری از تعاریف، اهمیت و ضرورت ایجاد دانشگاه کارآفرین را مطرح می‌کند و همچنین با ارائه مدلی مفهومی از موانع اجرای دانشگاه کارآفرین در کشور، به بررسی چالش‌هایی که دانشگاه‌های کشور در استقرار و توسعه آن مواجه‌اند، می‌پردازد و در پایان مقاله نیز، موارد مذکور جمع‌بندی و در قالب بحث و نتیجه‌گیری، کاربردهای مدیریتی و پیشنهاد‌های مرتبط با آن، برای پی‌گیری تحقیقات مشابه در آینده ارائه شده است.

واژه‌گان کلیدی: مدل، کارآفرینی، دانشگاه، دانشگاه کارآفرین

* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرانزلی (مسئول مکاتبات، karim_kiakojory@yahoo.com)

** عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرانزلی و دانشجوی دوره دکتری مدیریت دولتی

*** عضو هیئت علمی موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی

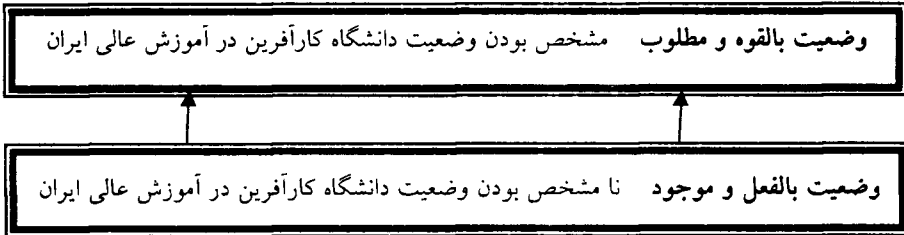
مقدمه

دانشگاه نهادی اجتماعی است و قدمتی حدود هشتصد ساله دارد. این نهاد در مراحل اولیه خود، برای مدت طولانی، فقط به فعالیت‌های آموزشی می‌پرداخت (دانکن^۱ و دیگران، ۱۹۸۸)؛ اما بر اساس پویایی درونی دانشگاه و اثرات بیرونی بر ساختارهای دانشگاهی و علمی، دو انقلاب علمی به وقوع پیوسته است. اولین انقلاب، آکادمیک و تحول علمی در اواخر قرن نوزدهم در دانشگاه‌های آلمان رخ داده است که طی آن دانشگاه‌ها علاوه بر مأموریت آموزشی و تدریس، مأموریت پژوهشی را نیز به عهده گرفتند. انقلاب علمی دوم، بر اساس متکی شدن نوآوری‌ها بر دانش علمی، اواخر قرن بیستم اتفاق افتاد که طی آن دانشگاه علاوه بر مأموریت آموزشی و پژوهشی، عهده دار مأموریت سومی شد و آن نوآوری فناورانه بود. امروزه دانشگاه‌هایی که دارای مأموریت سوم باشند، دانشگاه‌های کارآفرین نامیده می‌شوند (سلجوقی، ۱۳۸۵: ۵۴). در دنیای امروز، به دلیل وجود عواملی همچون رشد فزاینده رقابت در سطح ملی و بین‌المللی و تغییرات سریع محیطی و فناورانه، وجود دانشگاه کارآفرین در کشورها امری ضروری است تا بدین وسیله جوامع بتوانند کارایی و اثربخشی خود را افزایش دهند (طاهری، ۱۳۷۸: ۱۱)؛ و از سوی دیگر، توسعه جوامع مختلف به میزان بسیار زیادی به حضور و کارکرد این دانشگاه‌ها بستگی دارد (بارنز^۲ و دیگران، ۲۰۰۲). دانشگاه کارآفرین، کانون اصلی تربیت نیروی انسانی متخصص و آموزش دیده است که با برخورداری از ایده‌ها و اندیشه‌های نو، می‌تواند هر لحظه در شریان‌های حیاتی جامعه که حرکت روبه رشدی دارد، نیروی نوینی را تزریق کند و جامعه نیز با به کار بستن ایده‌های نوظهور دانشگاهیان، می‌تواند اندیشه توسعه را محقق سازد (گاندر^۳، ۱۹۸۷).

بسیاری از مسائل و چالش‌ها از قبیل: امنیت، اشتغال، بهداشت و درمان، فرهنگ‌سازی، تحقیق و توسعه و غیره در جوامع وجود دارند که نیازمند اندیشه‌های نو و بدیع است (کاوارد^۴ و دیگران، ۱۹۹۴؛ کراندال^۵ و دیگران، ۱۹۹۰؛ شورتل^۶ و دیگران، ۱۹۹۶). برای حل مسائل و مدیریت بر چالش‌های بزرگ و چندبعدی موجود در کشور نیز، دولت و مسئولان جامعه نیازمند ارائه دیدگاه‌ها و طرح‌های جدیدی هستند تا بتوانند منشاء خدمات بهتری در جامعه باشند (شفیعی، ۱۳۸۴) و در این میان، دانشگاه کارآفرین به عنوان مرکز تولید علم و دانش و فناوری و به عنوان به کارگیرنده فناوری و محل کاربردی نمودن علم و دانش می‌تواند، نقش بسزایی در پیشرفت و توسعه کشور در عرصه‌های جهانی داشته باشد. دانشگاه کارآفرین با شاغل کردن

1. Duncan
2. Barnes
3. Gander
4. Coward
5. Crandall
6. Shortell

فارغ‌التحصیلان دانشگاه، علاوه بر استفاده از دانش آنان در شکوفایی خود، خروجی دانشگاه را به کار بسته و مانع از بیکار و بی ارزش شدن آنان می‌شود. در کشور ما هم تا حدی بحث دانشگاه کارآفرین مطرح شده است، ولی این کار به معنای واقعی، دانشگاه کارآفرین قلمداد نمی‌شود. بر این اساس، مسئله تحقیق حاضر این است که موانع و چالش‌های شکل‌گیری دانشگاه کارآفرین در ایران چیست؟ البته مسئله تحقیق به صورتی مصور و گویا در نمودار (۱) آمده است:



نمودار (۱) مسئله تحقیق

با توجه به مواردی که بدان اشاره شده است، در مقاله حاضر، سعی خواهد شد تا مستند به مرور ادبیات موضوعی مربوط، موانع و چالش‌های شکل‌گیری دانشگاه کارآفرین بررسی شود تا به عنوان مبنایی برای مطالعات بیشتر در دنیای واقعی باشد. در پایان، ضمن جمع‌بندی، نتایج، کاربردهای مدیریتی و جهات تحقیقاتی آینده مربوط به موضوع، به منظور ادامه و پی‌گیری کار توسط دیگر محققان علاقه‌مند ارائه خواهد شد.

مباحث تئوریک

به علت نسبی بودن اصول، قوانین، قضایا و تئوری‌های کشف‌شده در مباحث علوم انسانی، تشتت آراء به حدی است که نمی‌توان در مورد پدیده خاصی، نظری واحد و قطعی ارائه کرد (ظهوری، ۱۳۷۸: ۲۷). وجود تعاریف و تعبیر مختلف و متنوع از کارآفرینی و دانشگاه کارآفرین، از سوی بیانگر گستردگی و اهمیت موضوع و از سوی دیگر، نشان‌دهنده پویایی موضوع است که می‌تواند زمینه ارائه مدل‌ها، تئوری‌ها و دیدگاه‌های متفاوتی را فراهم آورد. با توجه به مواردی که بدان اشاره شد، به ذکر چند مورد از تعاریف مختلف ارائه‌شده در مورد کارآفرینی، دانشگاه کارآفرین و نقش دانشگاه کارآفرین در توسعه پرداخته می‌شود:

۱. تعریف کارآفرینی

واژه کارآفرینی^۱ از ریشه فرانسوی (Entreprendre) به معنی متعهد شدن و نیز اصطلاحاً به معنی واسطه یا دلال نشئت گرفته است (احمدپور، ۱۳۸۱: ۳). در واژه‌نامه دانشگاهی

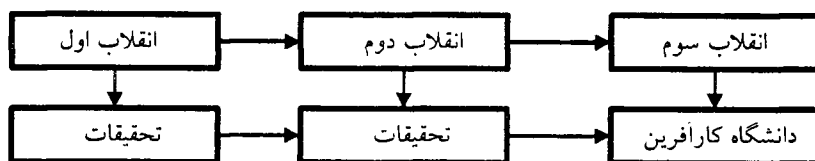
«وبستر»، کارآفرین فردی است که متعهد می‌شود ریسک‌های یک فعالیت اقتصادی را قبول کند و آن را مدیریت نماید (وبستر^۱، ۱۹۶۶). «شومپتر»^۲ معتقد است که کارآفرینی موتور محرک اصلی در توسعه اقتصادی است (پالمر^۳، ۱۹۸۷، ۴۸). کارآفرینی یعنی شناسایی و بهره‌برداری از افکار فرصت‌طلبانه برای ایجاد و توسعه شرکت‌های کوچک (بروکهاوس^۴، هورویتز^۵، ۱۹۸۶، ۴۵). کارآفرینی یک فرایند مدیریتی است که این امکان را به فرد می‌دهد که به طور مستمر حداکثر استفاده از فرصت‌های موجود را به عمل آورده و ایده جدیدی ارائه دهد و آن را به کار گیرد (کیاکجوری و رودگرنژاد، ۱۳۸۵). کارآفرینی فرایندی است که در آن کارآفرین، فعالیت اقتصادی کوچک و جدیدی را با سرمایه خود شروع می‌کند (دراکر^۶، ۱۹۸۵). در مجموع اینکه کارآفرینی عبارت است از: «فرایند نوآوری و بهره‌گیری از فرصت‌ها با تلاش و پشتکار بسیار و همراه با پذیرش ریسک‌های مالی، روانی و اجتماعی، که البته با انگیزه کسب سود مالی، توفیق طلبی، رضایت شخصی و استقلال صورت می‌پذیرد» (هیستریج^۷، ۲۰۰۲).

۲. دانشگاه کارآفرین^۸

دانشگاه مؤسسه‌ای است که با هدف ترویج دانش و تربیت نیروی انسانی در زمینه‌های مختلف علوم و فنون به ارائه آموزش عالی و انجام تحقیقات در سطح عالی اشتغال دارد و با زبان گسترش مرزهای دانش سخن می‌گوید. معمولاً سه وظیفه عمده بر عهده دانشگاه‌هاست که عبارت‌اند از: آموزش نیروی انسانی، تحقیق و توسعه، ارائه خدمات به بخش گسترده‌تری از جامعه در به کارگیری فناوری در صنعت. نقش آموزشی دانشگاه‌ها در فرایند توسعه، بر تربیت نیروی انسانی که کلید راه‌گشای توسعه محسوب می‌شود، استوار است و نقش تحقیقاتی آن شرط لازم برای موفقیت توسعه است (داسی^۹، ۱۹۸۴). در این قسمت، لازم است به سیر تحول پژوهش و تولد دانشگاه کارآفرین اشاره شود. از زمان تأسیس دانشگاه‌های سنتی که در آنها آموزش بیشترین اهمیت را به خود اختصاص می‌داد، دیر زمانی است که می‌گذرد. گرایش به پیشبرد علم، این دانشگاه‌های سنتی را به دانشگاه‌های نسل اول بدل ساخت که در آن تحقیقات بنیادی، مقام نخست را احراز کرده بود. با گذشت زمان و نیاز صنعت به پژوهش‌های خاصی که در راستای برآورده ساختن اهداف توسعه صنعتی بود، دانشگاه‌های نسل دوم پدید آمدند. در این دانشگاه‌ها، پژوهش‌های کاربردی، جایگاه برتر را اشغال می‌کرد و صاحبان صنایع در

1. Webster
2. Schumpeter
3. Palmer
4. Brockhaus
5. Horwitz
6. Drucker
7. Histrich
8. The entrepreneurial university
9. Dosi

راستای اهداف اقتصادی و در قالب واحدهای تحقیق و توسعه اقدام به تأسیس مؤسسه‌های علمی و تحقیقاتی کردند. پس از چندی با توجه به سرعت سرسام‌آور علم، به ویژه در عرصه فناوری‌های پیشرفته، ارتباط پیچیده صنعت و دانشگاه و لزوم پدیده نوآوری فناورانه به عنوان مهم‌ترین شاخص بهره‌وری شناخته شدند (ایت کویتز^۱، ۱۹۹۷). به شکل زیر توجه کنید:



شکل (۲)

نسل سوم دانشگاه، نظام ارتباطات صنعت و دانشگاه، انجمن‌های حرفه‌ای مراکز تحقیقاتی مستقل، شرکت‌های خدمات تخصصی و زیرسیستم‌های پشتیبان، در یک اقتصاد دانش‌بنیان است (لاندوال^۲، ۲۰۰۲).

دانشگاه کارآفرین یک انکوباتور طبیعی است که یک چتر حمایتی برای استادان و دانشجویان فراهم می‌کند و پیوند عمیقی را بین دانشگاه و صنعت و شرکت‌های تازه تأسیس ایجاد می‌کند (هریرا^۳، ۲۰۰۱). دانشگاه کارآفرین، دانشگاهی است با هدف تولید دانش و کاربرد آن در بخش‌های مختلف جامعه برای رسیدن به ابعاد مختلف توسعه. از این منظر، دانشگاه کارآفرین دانشگاهی است که مفروضات اساسی آن نقش داشتن در توسعه اقتصادی از طریق تحقیق و آموزش است (ریزمن^۴، جنکس^۵، ۱۹۸۶؛ یتکوویتز و دیگران، ۲۰۰۰). دانشگاه کارآفرین، دانشگاهی است که با یک راهبرد سازمان‌یافته، دانش تولیدشده خود را برای کاربرد به درون بخش‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه تزریق می‌کند (ایتکوویتز و دیگران، ۲۰۰۳). در تحلیل نظریه دانشگاه کارآفرین، «کریستنسن» با تأکید بر ابعاد سازمان و ویژگی‌های ساختاری دانشگاه، کارآفرینی دانشگاه را در نزدیک‌تر شدن دانشگاه به یک سازمان یادگیرنده معرفی کرده است (هاوس^۶، ۱۹۸۲). در مورد ویژگی‌های دانشگاه کارآفرین، برخی از اندیشمندان به شرح ذیل مطالبی را ارائه کرده‌اند:

«تراج تنبرگ» می‌گوید: (۱) در دانشگاه کارآفرین، دانشجویان به عنوان مشتری به شمار می‌آیند؛ (۲) در دانشگاه کارآفرین تشویق‌های سنتی کاهش، اما موقعیت و جایگاه

1. Etkowitz
2. Lundvall
3. Herrera
4. Riesman
5. Jencks
6. Houce

دانشگاه ارتقا می‌یابد؛ ۳) در دانشگاه کارآفرین اعضای هیئت علمی و مدیران به طور روزافزون به یکدیگر نزدیک می‌شوند؛ ۴) دانشگاه کارآفرین ناگزیر از ایجاد و کسب درآمد است (کیاکجوری و رودگرزاد، ۱۳۸۶؛ کاساردا^۱، ۱۹۹۲).

۳. نقش دانشگاه کارآفرین در توسعه

هر چند اولین مباحث مطرح شده در مورد پیشرفت و توسعه یک جامعه، تکیه بر مزیت‌های نسبی و صرفه‌های اقتصادی ناشی از عملکرد جمعی است، اما در اواخر قرن بیستم، بسیاری از محققان دانشگاهی و صاحبان صنایع به باور مشترکی رسیده بودند و آن توانایی رقابت در عرصه‌های بین‌المللی و باقی ماندن در دهکده جهانی بود (داسی، ۱۹۸۴)؛ البته نکته قابل تأمل این است که دانشگاه کارآفرین انتقال بین‌المللی فناوری و دانش را نیز تسریع و تسهیل می‌کند (دالتون^۲ و دیگران، ۱۹۹۹). از دانشگاه‌ها به عنوان یکی از نهادهای پیشرو در جامعه انتظار می‌رود که نقش مهمی را در فرایند توسعه عهده‌دار شوند و این مهم تجلی نمی‌یابد مگر در کارآفرین کردن دانشگاه‌ها (هافمن^۳ و دیگران، ۲۰۰۱). دانشگاه کارآفرین شکاف بین تحقیق و توسعه را پر می‌کند و با ارائه منابع لازم به جامعه برای توسعه و نیز با ایجاد هم‌افزایی، ترویج یادگیری و تغییر سریع، رقابت در عرصه بین‌المللی را افزایش می‌دهد (کیاکجوری و رودگرزاد، ۱۳۸۶).

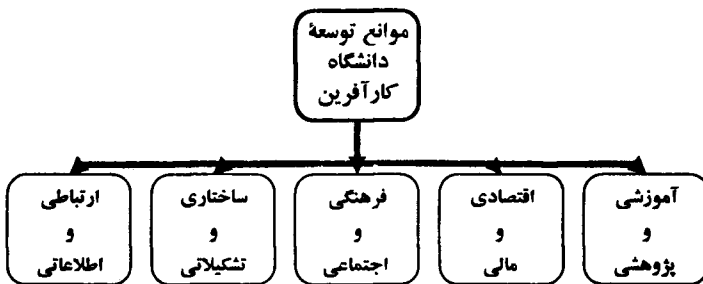
دانشگاه کارآفرین از دو جنبه تاثیرگذار است: نخست از جنبه درونی، تحول و تکاملی که برای ایجاد فضای کارآفرینی در دانشگاه به وجود می‌آید و دوم، از جنبه بیرونی و تأثیری که محیط خارجی بر دانشگاه دارد تا نظام نوآوری در آن تحقق یابد (تامپسون^۴، ۱۹۹۹). در دانشگاه کارآفرین، فعالیت‌های کارآفرینانه با هدف ارتقای عملکرد ملی و منطقه‌ای و نیز کسب مزیت‌های مالی برای دانشگاه و هیئت علمی آن صورت می‌گیرد. افزون بر انتقال نتایج پژوهش به جامعه، دانشگاه کارآفرین می‌کوشد به شرکت‌هایی با فناوری کم و متوسط کمک کند تا سطح علمی و فناوری‌شان بالا رود (پلیکان^۵، ۱۹۹۲؛ فاتح راد و دیگران، ۱۳۸۴، ۱۴۹)؛ بنابراین، هر قدر یک کشور از بنیه علمی و اقتصادی قوی‌تری برخوردار باشد و بتواند هزینه‌های کارآفرینی که در سال‌های دیگر به تولید خواهد انجامید را امروز تقبل کند، در عرصه جهانی شدن حضور چشمگیری خواهد داشت (هورلی^۶، ۱۹۹۹)؛ از این رو، توسعه همه‌جانبه و پایدار عمدتاً به سواد و توسعه فناوری متکی است و توسعه فناوری نیز بر پایه خلاقیت و

1. Kasarda
2. Dalton
3. Hoffmann
4. Thompson
5. Pelikan
6. Hurely

نوآوری و توسعه علمی و دانایی صورت می‌گیرد و دستیابی به توسعه علمی امروزه تنها از طریق دانشگاه کارآفرین میسر است (کیاکجوری و رودگرنژاد، ۱۳۸۶).

ارائه مدلی مفهومی از موانع و چالش‌های توسعه دانشگاه کارآفرین در ایران در کشور ما، موضوع کارآفرینی و ایجاد دانشگاه کارآفرین، یک موضوع نسبتاً جدید و مطالعات و بررسی‌های علمی در خصوص آن محصول سال‌های اخیر است؛ از طرف دیگر، استقرار دانشگاه کارآفرین و فرهنگ‌سازی آن در کشور، خود با مسائل و مشکلات خاصی مواجه است.

بدون توجه به بحث‌های گوناگونی که معمولاً در مورد تئوری و تئوری‌پردازی مطرح می‌شود در مجموع می‌توان هر گونه نوآوری تئوریک را در چهار گروه بدین شرح در نظر گرفت (فیلدمن، ۲۰۰۴): بسط یا بهبود تئوری‌های موجود، مقایسه دیدگاه‌های تئوریک مختلف، بررسی پدیده‌ای خاص با استفاده از دیدگاه‌های تئوریک مختلف و بالاخره اینکه بررسی پدیده‌ای مستند و تکراری (تحقیقی که قبلاً انجام شده است) در محیط و شرایطی جدید. مبتنی بر این دیدگاه، مقاله حاضر در گروه اول قرار می‌گیرد. بر این اساس، هدف عملیاتی مقاله حاضر، ارائه مدلی مفهومی بررسی موانع و چالش‌های شکل‌گیری دانشگاه کارآفرین در ایران، در پاسخ به این مسئله است که مستند به مرور ادبیات موضوعی مربوط، موانع و چالش‌های شکل‌گیری دانشگاه کارآفرین در کشور ما چیست؟



نمودار (۳) ارائه مدلی مفهومی جهت بررسی چالش‌های شکل‌گیری دانشگاه کارآفرین در ایران

تشریح مختصر اجزاء مدل ارائه شده

۱. موانع آموزشی و پژوهشی

از موانع دانشگاه کارآفرین در ایران، وجود زیرساخت غلط و سنتی آموزش و پژوهش است که این موانع را می‌توان در موارد زیر دسته‌بندی نمود:

الف) تغییر دیدگاه تولید علم: برای ایجاد دانشگاه کارآفرین، دیدگاه تولید علم باید از نگرش سنتی تغییر کند و پژوهش با هدف حل مسائل و مشکلات جامعه و عرضه محصولات جدید بر مبنای دانش تولیدشده در دانشگاه‌ها انجام شود؛ بنابراین، پژوهشگران باید به فکر رفع نیاز جامعه و سازمان‌ها باشند و ارزیابی پژوهش‌های دانشگاهی باید برای مدیران حرفه‌ای و کاربران آن انجام شود نه توسط همکاران دانشگاهی (کردنائیج، ۱۳۸۴):

ب) تغییر برنامه‌های آموزشی: برنامه‌های آموزشی دانشگاه باید تغییر کند؛ به طوری که در دروس تخصصی، یادگیری بر مبنای حل مسئله و تحقیق، جزو جدانشدنی روش‌های تدریس باشد و قابلیت پردازش ایده در دانشجویان تقویت شود و دانشجویان قابلیت انجام تحقیقات بین‌رشته‌ای را کسب کنند.

تغییر اساسی دیگر، در برنامه‌های آموزشی دانشگاه باید انجام شود، گنجاندن چند درس کارآفرینی در برنامه‌های آموزشی همه رشته‌هاست که این مورد در کشور ما در حال تحقق است (استبرو^۱، ۲۰۰۳).

۲. موانع اقتصادی و مالی

مشکلات مالی در اکثر کشورهای جهان سوم باعث شد که دانشگاه، محلی برای گرفتن مدرک برای امرار معاش تلقی شود و حتی استادان، محققان، پژوهشگران به جای دغدغه تولید علم و پژوهش درگیر مشکلات مالی زندگی باشند؛ همچنین، تخصیص کم بودجه به امر پژوهش و تحقیق می‌تواند به نارسایی و مشکلات در این زمینه شدت بخشد (یداللهی، ۱۳۸۴).

۳. موانع فرهنگی و اجتماعی

فرهنگ سازمانی، یکی از عوامل مهم در رفتار سازمانی است. در فرایند ایجاد تحول در دانشگاه، فرهنگ سازمانی، می‌تواند هم به عنوان مانع و هم تسهیل‌کننده مطرح باشد. برای جلب مشارکت اعضای دانشگاه و همچنین ایجاد اثربخشی در فعالیت‌های کارآفرینی دانشگاهی، باید فرهنگ کارآفرینی در اعضای دانشگاه ترویج شود؛ به طوری که هر عضو دانشگاه خودش مروج فرهنگ و نگرش کارآفرینی باشد؛ چرا که فرهنگ می‌تواند عامل مهم سوق‌دهنده و یا جلوبرنده ابتکارها، خلاقیت‌ها و یادگیری سازمانی باشد (یداللهی، ۱۳۸۴) و این امر از طریق شناسایی، حمایت و رشد استعدادها، خلاق، توسعه فرهنگ کاری در بین اعضای سازمان (اعضای هیئت علمی و کارکنان)، ایجاد تقویت یادگیری سازمانی، ایجاد تحول در ارزش‌ها، باورها و مفروضات اعضا، ایجاد فرهنگ کار گروهی و ارتقاء سطح مشارکت جمعی آنان صورت می‌پذیرد.

۴. موانع ساختاری و تشکیلاتی

ساختار سازمانی باید حامی نوآوری سازمانی و کارآفرینی دانشگاهی باشد که در کشور ما می‌توان به طور خلاصه اهم موانع ساختاری و تشکیلاتی را به شرح زیر بیان نمود:

الف) عدم استقلال در مدیریت دانشگاه‌ها: استقلال در مدیریت دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها، فرایند کارآفرینی دانشگاه را تسریع می‌کند. از یک سو، به منظور پاسخگویی دانشکده‌ها و از سوی دیگر، برای ایجاد زمینه نوآوری در کارآفرینی دانشگاهی، دانشکده‌ها و مؤسسات دانشگاهی باید با استقلال عمل کنند؛ همچنین استقلال دانشگاه‌ها در کلیه تصمیمات داخلی، به خصوص ظرفیت پذیرش دانشجو و حذف و اضافه کردن رشته‌های علمی باعث می‌شود که در تعامل با جامعه، صنعت و دولت بتواند نوع فعالیت و ظرفیت آن را متناسب با نیاز بازار تنظیم کند و در فرایند کارآفرینی دانشگاهی با مانع خارجی روبه‌رو نشوند (یداللهی، ۱۳۸۴)؛

ب) نبود ساختار منعطف: یک دانشگاه کارآفرین نیاز دارد تا انعطاف‌پذیرتر بشود؛ به ویژه در واکنش به تقاضاها و نیازهای در حال تغییر محیط. این انعطاف‌پذیری امکان‌پذیر نمی‌شود مگر اینکه ابعاد ساختاری دانشگاه تغییر کند. دانشگاه باید شرایطی را مهیا کند که اطلاعات و ارتباطات به صورت شفاف و سریع در سازمان جریان یابد و کنترل در سازمان از کنترل شدید به کنترل کلی تبدیل شود؛

ج) انتخابی نبودن رؤسای دانشگاه‌ها: در صورتی که رؤسای دانشگاه‌ها به وسیله اعضای هیئت علمی هر دانشگاه انتخاب شوند، در برابر اعضای خود پاسخگو خواهند بود و مشارکت آنان را نیز به همراه خواهد داشت. انتخابی بودن رؤسای دانشگاه‌ها، با ترغیب مشارکت، پاسخگویی و مدیریت‌گرایی، زمینه را برای کارآفرینی دانشگاهی فراهم می‌کند؛

د) وجود قوانین و مقررات دست و پاگیر: بدین منظور حذف کلیه مقررات کندکننده روند نوآوری، ایجاد روش‌ها و مقررات حامی و غیر متمرکز کردن تصمیم‌گیری‌ها در دانشگاه‌ها لازم است (یداللهی، ۱۳۸۴ و کردنائیج، ۱۳۸۴).

۵. موانع ارتباطی و اطلاعاتی

ارتباطات و اطلاعات را می‌توان عامل مهم برای یک دانشگاه پویا و کارآفرین قلمداد کرد. دانشگاه‌ها در کشور ما از این منظر، بیشتر در موارد زیر با مشکلاتی روبه‌رو هستند:

الف) عدم همکاری مناسب بین دانشگاه، صنعت و دولت: عوامل مختلفی بر اثربخشی همکاری‌های میان دولت، دانشگاه و صنعت تأثیر دارند (بارنز^۱ و دیگران، ۲۰۰۲). هدف کلی، استفاده از همکاری‌های میان دانشگاه و صنعت، جهت‌دهی مطلوب

و مؤثر به برنامه‌ها و تصمیم‌های مرتبط با مسائل و چالش‌های چند بعدی موجود در اجتماع و ارائه خدمات هر چه بهتر و بیشتر به جامعه است (آرمسترانگ، ۱۹۸۲، ۵۹). امروزه در موقعیت فعلی، صنعت کشور دچار عقب‌ماندگی، بهره‌وری پایین و در شرایط غیررقابتی قرار دارد که با توجه به مباحث الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی، اتخاذ راهبردی توسعه صنعتی ضروری می‌باشد. دانشگاه به عنوان مرکز تولید علم و دانش و فناوری و صنعت به عنوان به کار گیرنده فناوری و محل کاربردی نمودن علم و دانش می‌تواند نقش بسزایی در پیشرفت و توسعه کشور در عرصه‌های جهانی داشته باشد (سلجوقی، ۱۳۸۵: ۵۰). دانشگاه و صنعت از عوامل بسیار مهم در شکوفایی جامعه است؛ به نحوی که صنعت با شاغل نمودن فارغ‌التحصیلان دانشگاه، علاوه بر استفاده از دانش آنان در شکوفایی خود، خروجی دانشگاه را به کار بسته و مانع از بیکار و بی‌ارزش شدن آنان می‌شود. به طور کلی، با رشد و شکوفایی دانشگاه و صنعت، جامعه نیز از جنبه‌های مختلف متحول می‌شود؛ از این رو، همکاری دانشگاه با صنعت از یک منظر، تغییرات اساسی در دانشگاه‌ها را می‌طلبد که کارآفرین کردن دانشگاه می‌تواند مهم‌ترین گام در پیشبرد این همکاری محسوب شود (آقاجانی و کیاکجوری، ۱۳۸۵)؛

(ب) نبود فناوری اطلاعات و ارتباطات مناسب: کشور ما از نظر بعضی ابزارها، امکانات ارتباطی و اطلاع‌رسانی که لازمه چرخش درست اطلاعات است، عقب مانده است؛ بنابراین، برای توسعه ارتباطی با موانعی روبه‌رو هستیم. محدودیت‌هایی که در این زمینه وجود دارد، می‌توان به صورت زیر بررسی کرد:

تنگناها در تقاضای ICT شامل: بی‌سوادی، فقر، تعداد رایانه‌های شخصی پایین، عدم وجود محیط فارسی اینترنتی، فقدان تجربه‌اندوزی، عدم توجیه اقتصادی و فنی برای عرضه فناوری اطلاعات و ارتباطات در برخی مناطق، فقدان انگیزه تولیدکنندگان کالاهای معنوی به علت فقدان قانون و عدم حمایت و بی‌رونقی بازار اطلاعات می‌باشند (دانایی فرد، ۱۳۸۴).

نتیجه‌گیری

هدف از نگارش مقاله حاضر پاسخگویی به این سؤال بوده است که موانع و چالش‌های شکل‌گیری دانشگاه کارآفرین در ایران چیست؟ فلسفه طرح چنین سؤالی این بوده است که آموزش عالی و به تبع آن دانشگاه‌ها نقش حساس و خطیری در توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه به عهده دارند؛ از طرف دیگر، بقای دانشگاه‌ها در گرو کارآفرینی دانشگاهی است؛ بنابراین، امروزه شکل‌گیری دانشگاه کارآفرین برای حل مسائل کشور و بهبود روند توسعه امری ضروری است. مرور

ادبیات موضوعی مربوط به تحقیق حاضر نشان داده است؛ که موانع مختلفی بر اجرای دانشگاه کارآفرین در ایران تأثیر دارد. در جمع‌بندی نهایی اینکه این عوامل را می‌توان به پنج گروه و عنصر مرتبط بهم شامل: موانع آموزشی و پژوهشی، اقتصادی و مالی، فرهنگی و اجتماعی، ساختاری و تشکیلاتی و در نهایت مشکلات ارتباطی و اطلاعاتی تقسیم‌بندی کرد که مقاله حاضر به منظور پاسخگویی به مسئله طرح‌شده و در راستای دسترسی به هدف بیان‌شده، مدلی مفهومی از موانع و چالش‌های شکل‌گیری دانشگاه کارآفرین در ایران را در قالب یک ماهیت پارادوکسی^۱ که باید مدیریت شوند، معرفی، تعریف و تشریح کرده است.

مستند به موارد مطرح شده در متن مقاله و نیز اختصاری که در مورد اهمیت توجه به کارآفرینی و دانشگاه کارآفرین در بالا آمده است، نشان داده شده است که دانشگاه کارآفرین، می‌تواند در شکوفایی و توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه نقش مهمی ایفا کند و این امر مستلزم حمایت دولت و استفاده از تجربه‌ها و عملکرد کشورهای پیشرفته و بومی‌کردن آن است.

پیشنهادها و کاربردهای مدیریتی

همان‌گونه که در متن مقاله هم آمده است، مرور ادبیات موضوعی مربوط به عنوان مقاله نشان داده است که دانشگاه کارآفرین به عنوان مرکز تولید علم و دانش و فناوری می‌تواند نقش بسزایی در پیشرفت و توسعه کشور در عرصه‌های جهانی داشته باشد. براین اساس، مطالب ارائه‌شده در مقاله حاضر می‌تواند به عنوان نقطه شروعی برای مطالعات و تحقیقات مرتبط با دانشگاه کارآفرین و توسعه آن باشد که ان شاء الله مورد استفاده محققان و کارشناسان دیگر و حمایت مدیران و دست‌اندرکاران کشورمان قرار خواهد گرفت؛ بنابراین، موارد ذیل به عنوان پیشنهادهایی چند در راستای توجه و اهمیت‌دادن هر چه بیشتر به موضوع کارآفرینی و دانشگاه کارآفرین ارائه می‌شود:

■ توجه به آموزش، پژوهش و ترویج فرهنگ کارآفرینی و موضوعات مرتبط با عنایت به شرایط و موقعیت‌های بومی در تمام سطوح سنی و تحصیلی،
 ■ الگوبرداری از عملکردهای دانشگاه‌های کارآفرین کشورهای موفق و بومی‌سازی آنها از طریق انجام مطالعات تطبیقی،

■ فراهم کردن حمایت‌های لازم مدیریتی مرتبط با توسعه سطوح فعالیت‌های کارآفرینانه نظیر: حمایت‌های مالی، کاهش مقررات، آسان‌سازی ایجاد کسب‌وکارها و غیره.

برای تحقیقات آینده

مستند به بیان مسئله و نیز تحلیل‌های ارائه‌شده در متن مقاله، موارد زیر به عنوان پیشنهادهایی به منظور انجام تحقیقات آتی در ارتباط با موضوع مقاله حاضر می‌تواند ارائه شود:

- اجرای تحقیق میدانی درباره نقش دانشگاه کارآفرین در توسعه کشور و تبیین اهمیت آن در راستای توسعه منطقه‌ای،
- اجرای تحقیق میدانی در خصوص موانع شکل‌گیری دانشگاه کارآفرین با توجه به دیگر مدل‌های ارائه‌شده در این زمینه،
- انجام مطالعات تطبیقی و استفاده از تحقیقات در کشورهای مختلف در مورد توسعه دانشگاه کارآفرین.

منابع

- آفاجانی، حسنعلی و کریم، کیاکجوری (۱۳۸۵). ارائه الگویی مفهومی از عوامل مؤثر بر اثربخشی همکاری‌های بین‌سازمانی میان دولت، دانشگاه و صنعت. مجموعه مقالات سومین کنگره بین‌المللی همکاری‌های دولت، دانشگاه و صنعت برای توسعه ملی (همراه با سخنرانی)، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- احمد پور، محمود (۱۳۸۱). کارآفرینی. تهران: انتشارات پردیس.
- احمد پور، محمود و دیگران (۱۳۸۳). تجارب کارآفرینی در کشورهای منتخب. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- دانایی فرد، حسن (۱۳۸۴). اقتصاد دانش محور، آموزش عالی و اشتغال: تأملی بر نقش دولت و مدیریت دولتی. مجموعه مقالات دومین همایش اشتغال نظام آموزش عالی کشور، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- زاهدی، شمس‌السادات و دیگران (۱۳۷۹). فرهنگ جامع مدیریت. انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- سلجوقی، خسرو (۱۳۸۵). پارک‌ها و مراکز رشد علم و فناوری. نهمین سمینار منطقه‌ای همکاری سه‌جانبه دولت، صنعت، دانشگاه، شهر ری.
- شفیعی، مسعود (۱۳۸۴). بررسی تطبیقی ارتباط صنعت و دانشگاه در جوامع توسعه‌یافته و در حال توسعه. مجموعه مقالات نهمین کنگره سراسری همکاری سه‌جانبه دولت، صنعت و دانشگاه برای توسعه ملی.
- طاهری، شهنام (۱۳۷۸). توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی. تهران: نشر هستان.
- ظهوری، قاسم (۱۳۷۸). کاربرد روش‌های تحقیق علوم اجتماعی در مدیریت. تهران: انتشارات میر.
- فاتح راد، مهدی و دیگران (۱۳۸۴). دانشگاه کارآفرین، نظام ملی نوآوری و توسعه مبتنی بر دانایی. نهمین کنگره سراسری همکاری سه‌جانبه دولت، صنعت، دانشگاه.
- کردنائیج، اسدالله (۱۳۸۴). دانشگاه کارآفرین و نقش آن در ایجاد اشتغال. مجموعه مقالات دومین همایش اشتغال نظام آموزش عالی کشور، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- کیاکجوری، کریم و رودگرنژاد، فروغ (۱۳۸۶). دانشگاه کارآفرین و توسعه. مجموعه مقالات سومین همایش دو سالانه اشتغال و نظام آموزش عالی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- کیاکجوری، کریم و رودگرنژاد، فروغ (۱۳۸۵). ارائه الگویی مفهومی از نقش کارآفرینی در توسعه. مجموعه مقالات همایش ملی مدیریت کارآفرین، تهران: دانشگاه تهران.
- یداللهی فارسی، جهانگیر (۱۳۸۴). نقش جدید دانشگاه‌ها: توسعه قابلیت‌های کارآفرینی. مجموعه مقالات دومین همایش اشتغال نظام آموزش عالی کشور، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

- Astebro, T. (2003). Return to independent invention. *The Economic Journal*, p. 230.
- Armstrong, R. P. (1982). Using agency coalitions to integrate services for children. *Social Work in Education*, (4)(3), pp. 59-68.
- Barnes, T. et al, (2002). Effective university-industry interaction: A multi-case evaluation of collaborative R&D project. *European Management Journal*, (20)(3), pp. 272-285.
- Brockhaus, R. & Horwitz, P. (1986). The psychology of the entrepreneur, in D. Sexton & R. Smilor(eds). *The art and science of entrepreneurship*, Cambridge, Mass: Ballinger.
- Coward, R. T. et al, (1994). *Health Services for Rural Elders*. New York: Springer.
- Crandall, L. A. et al, (1990). Recruitment and retention of rural physicians: Issues for the 1990s. *Journal of Rural Health*, (6) p. 1.
- Kasarda, J. (1992). *Introduction*, In D. Sexton & J. Kasarda(eds). *The state of the art of entrepreneurship*, Boston: PWS – KENT Publishing Co.
- Dalton, D. et al, (1999). *Globalization industrial research and Development*. U.S Department of Commerce, office of technology policy, technology administration.
- Dosi, G. (1984). *Technical change and industrial transformation*. New York; St. Martin's press.
- Drucker, P. (1985). *Innovation and entrepreneurship*. NY: Harper Collins Publisher.
- Duncan, W. et al, (1988). Intrapreneurship and Reinvention of the Corporation. *Business Horizons*, May & June, pp. 16-21.
- Dunphy, S. et al, (1994). The relationship of entrepreneurial and innovative success. *Marketing Intelligence and Planning*, (12)(9).
- Etzkowitz, H. & Leydesdorff, L. (eds), (1997). *Universities and the Global knowledge economy. A Triple Helix of University-Industry- Government Relations*, Pinter, London, Washington.
- Etzkowitz, H. et al, (2000). The Future of the University & University of the future: Evolution of Ivory Tower to Entrepreneurial Paradigm. *Research policy*, 29, pp.313-330.
- Etzkowitz, H. (2003). Research Groups As quasi-firms: The Invention of The Entrepreneurial University. *Research policy*, 33, pp.109-121.
- Feldman, D. C. (2004). The devil is in the detail: converting good research into publishable articles. *Journal of management*, (30)(1), pp. 1-6.

- Hisrich, R. D. & Peters, M. (2002). *Entrepreneurship*. New York: McGraw Hill.
- Hurley, A. (1999). Incorporating feminist theories into sociological theories of entrepreneurship. *Woman in Management Review*, (14)(2).
- Gander, G. P. (1987). University – industry research linkages and knowledge transfers: a general equilibrium approach. *Technological Forecasting and Social Change*, 31, pp.117-130.
- Herrera, S. (2001). Academic research is The Engine of Europe's Biotech industry. *Red Herring*, vol, (108), pp.72 - 74.
- Hoffmann, et al, (2001). Success factors of strategic alliances in small and medium, size enterprise. *long range planning*, vol, (34), pp.357-381.
- Jencks, C. Riesman, D, (1986). *The Academic Revolution*. Doubleday, New York.
- Lundvall, B. A. et al, (2002). *National systems of production*. Innovation and competence building.
- Palmer, M. (1987). The application of psychological testing to entrepreneurial potential. In C. Baumbach & J. Mancuso(eds), *Entrepreneurship and venture management*, NJ: Prentice-Hall Inc.
- Streeter, P. (1972). *The frontiers of development studies*. Macmillan.
- Shortell, S. M. et al, (1996). *Remaking Health Care in America: Building Organized Delivery Systems*. San Francisco: Jossey-Bass.
- Thompson, Jone. (1999). The Worlds of Entrepreneur: A new Perspective. *Journal of the workplace learning: employee counseling today*.
- United Nations, (1954). *Office for Public Administration*. New York, U.N.
- Websters Third New International Dictionary, (1966). Chicago. Rand McNally & Sons.